



دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی جامعه‌شناسی

تحلیل محتوای مولفه‌های هویت ملی در آثار دو تن از
روشنفکران (جلال آل احمد و داریوش شایگان)

به وسیله‌ی
احمد رامشینی

استاد راهنما
دکتر علی اصغر مقدس

شهریور ۱۳۸۹

صلى الله عليه وسلم

به نام خدا

اظہار نامہ

اینجانب احمد رامشینی دانشجوی رشته ی جامعه شناسی دانشکده ی اقتصاد مدیریت و علوم اجتماعی اظہار می کنم کہ این پایان نامہ حاصل پژوهش خودم بودہ و در جاهایی کہ از منابع دیگران استفادہ کردہ ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشتہ ام. همچنین اظہار می کنم کہ تحقیق و موضوع پایان نامہ ام تکراری نیست و تعہد می نمایم کہ بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننمودہ و یا در اختیار غیر قرار ندم. کلیہ حقوق این اثر مطابق با آیین نامہ مالکیت فکری و معنوی متعلق بہ دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: احمد رامشینی

تاریخ و امضا: ۱۳۸۹/۷/۴



احمد رامشینی

به نام خدا

تحلیل محتوای مولفه های هویت ملی در آثار دو تن از روشنفکران (جلال آل احمد
و داریوش شایگان)

به وسیله:

احمد رامشینی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی
از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی :

جامعه شناسی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه : بسیار خوب

دکتر علی اصغر مقدس، دانشیار بخش جامعه شناسی (استاد راهنما)

دکتر بیژن خواجه نوری، استادیار بخش جامعه شناسی

دکتر حبیب احمدی، دانشیار بخش جامعه شناسی

شهریور ۱۳۸۹

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم

سپاسگزاری

ستایش پروردگاری را که نعمت آموختن به من عنایت فرمود و بدین وسیله موجبات بهره گیری از دریای بیکران علم و دانش را نصیبم نمود.

اکنون که به لطف حق مقطعی دیگر را به پایان می رسانم بر خود لازم می دانم از زحمات و راهنمایی های فراوان جناب آقای دکتر علی اصغر مقدس، استاد راهنما و آقایان دکتر بیژن خواجه نوری و دکتر حبیب احمدی به عنوان اساتید مشاور تقدیر و تشکر نمایم.

در پایان از خانواده ام به ویژه پدر و مادر مهربانم که بدون همیاری آنان این تحقیق به اتمام نمی رسید صمیمانه تشکر و قدر دانی می نمایم.

چکیده

تحلیل محتوای مولفه های هویت ملی در آثار دو تن از روشنفکران (جلال آل احمد و داریوش شایگان)

به کوشش:

احمد رامشینی

از ابتدای زندگی انسان بر روی کره خاکی، بحث کیستی و چیستی بشر و مباحث مربوط به هدف زندگی، چگونه زندگی کردن، چه چیز درست بودن و چه چیز نادرست بودن مطرح بوده و یکی از دغدغه‌های ذهنی بشر بوده است. لذا بحث هویت در هر جامعه‌ای و در هر عصری مطرح است. هویت را به دو دسته فردی و جمعی می‌توان تقسیم کرد و هویت جمعی سطوحی دارد که بالاترین سطح آن هویت ملی است. هویت ملی فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی پیرامون خود، گذشته، حال، کیفیت، زمان، تعلق، خواستگاه اصلی، حوزه تمدنی، جایگاه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، گرایش‌ها و نگرش ملی مثبت با عوامل، عناصر و الگوهای هویت بخش و یکپارچه در سطح هر کشور به عنوان یک واحد سیاسی است. برای پی بردن به اینکه یک ملت هویت ملی خود را متشکل از چه عناصری می‌داند، می‌توان به آرا اندیشمندان و روشنفکران آن جامعه مراجعه کرد. در این پژوهش به مقایسه آرا دو تن از روشنفکران می‌پردازیم. جلال آل احمد به عنوان یکی از روشنفکران قبل از انقلاب ۱۳۵۷ و داریوش شایگان به عنوان یکی از روشنفکران پس از انقلاب ۱۳۵۷. برای مقایسه آرا دو روشنفکر با تحلیل محتوای غربزدگی آل احمد و افسون زدگی‌جدید، هویت چهل‌تکه و تفکر سیار شایگان پرداخته شد. هویت ملی به سه بعد باستانی، دینی و غربی تقسیم شد و برای هر بعد مولفه‌هایی طراحی گردید. نتیجه اینکه آل احمد بر بعد دینی و شایگان بر بعد غربی هویت ملی تاکید کرده‌اند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۱	۱-۱- مقدمه
۲	۲-۱- مسئله تحقیق
۵	۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق
۸	۴-۱- اهداف تحقیق
	فصل دوم: پیشینه تحقیق
۹	۱-۲- پژوهش‌های داخلی
۱۳	۲-۲- تحقیقات خارجی
۱۷	۳-۲- نقد و ارزیابی تحقیقات پیشین
	فصل سوم: مبانی نظری تحقیق
۱۹	۱-۳- دیدگاه کنش متقابل نمادین
۲۱	۲-۳- جرج هومنز
۲۲	۳-۳- یورگن هابرماس
۲۳	۴-۳- دیدگاه‌های مدرن کنش متقابل نمادین
	۱-۴-۳- تعامل‌گرایان ساختی
	۲-۴-۳- تعامل‌گرایان فرایندی
۲۷	۵-۳- دیدگاه‌های روان‌شناختی
۲۷	۶-۳- دیدگاه‌های سیاسی در مورد هویت
۳۲	۷-۳- دیدگاه‌های جامعه‌شناختی
۳۲	۸-۳- آنتونی گیدنز
۳۳	۹-۳- ابعاد هویت اجتماعی

۳۴	۳-۱۰-ریچارد جنکینز
۳۶	۳-۱۱-قومیت و ملیت
۳۷	۳-۱۲-دبدهگاه انسجام اجتماعی
۳۷	۳-۱۳-دیدگاه هویت اجتماعی
۳۸	۳-۱۴-هویت ملی
۳۹	۳-۱۵-نشا شناسی ملت‌های مدرن
۴۰	۳-۱۶-نظریات متفکرین ایرانی
۴۹	۳-۱۷-مدل نظری تحقیق
۵۰	۳-۱۸-فرضیات تحقیق
۵۱	۳-۱۹-زندگی‌نامه نویسندگان
۵۱	۳-۲۰-زندگی‌نامه جلال آل احمد
۵۲	۳-۲۱-زندگی‌نامه داریوش شایگان

فصل چهارم: روش‌شناسی تحقیق

۵۴	۴-۱-مقدمه
۵۴	۴-۲-نوع و روش
۵۵	۴-۳-جامعه آماری
۵۵	۴-۴-ابزار گردآوری اطلاعات
۵۵	۴-۵-واحد اندازه‌گیری

فصل پنجم

۵۶	۵-۱-جداول مربوط به بعد باستانی و ملی
۶۱	۵-۲-جداول مربوط به بعد دینی
۶۴	۵-۳-جداول مربوط به بعد غربی و فرهنگ غرب

فصل ششم: بحث و نتیجه‌گیری

۷۱	۶-۱-بعد باستانی و ملی
۷۴	۶-۲-بعد دینی
۷۵	۶-۳-بعد غرب و فرهنگ غربی
۷۸	۶-۴-محدودیت‌های تحقیق

صفحه

عنوان

۷۸

۵-۶-پیشنهادهای تحقیق

فهرست منابع

۷۹

منابع فارسی

۸۳

منابع لاتین

فصل اول: کلیات

۱-۱ - مقدمه

از ابتدای زندگی انسان بر روی کره خاکی، بحث کیستی و چیستی بشر و مباحث مربوط به هدف زندگی، چگونه زندگی کردن و چه چیز درست بودن و چه چیز نادرست بودن، مطرح بوده و یکی از دغدغه‌های ذهنی بشر بوده است. بنابراین مباحث مربوط به هویت قدمتی به اندازه تاریخ بشر دارد و بحث جدیدی نیست. اما در پی اتفاقاتی که در اروپا در دوران رنسانس رخ داد و سپس بقیه جهان را نیز تحت تاثیر خود قرار داد، کل زندگی انسان دگرگون گردید. از جمله فردگرایی و حساب‌گری بر جای جمع‌گرایی و سنت‌گرایی نشست. بدین ترتیب فردی که در قبل از رنسانس صرفاً با اتکا بر آنچه که جامعه عرضه می‌کرد هویت و کیستی خود را تعریف می‌نمود. پس از رنسانس می‌بایست خود به تعریف خویش می‌پرداخت و اکنون می‌بینیم که یکی از مباحث اصلی جهان امروز و از جمله ایران بحث هویت است. در برخی دایره‌المعارف‌ها هویت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: "آن چیزی که باعث تمایز یک موجود از موجودات دیگر می‌شود" (نقل شده در سایت ویکی‌پدیا).

از یک منظر می‌توان هویت را به دو قسم تقسیم‌بندی کرد: ۱- هویت فردی و ۲- هویت جمعی. هر چند مرز میان هویت فردی و جمعی کاملاً مشخص نیست، ولی می‌توان گفت که هویت فردی بر تفاوت‌ها و هویت جمعی بر شباهت‌ها تاکید دارند.

این ادعا که چیزی یا فردی هویت ویژه‌ای دارد، بدین معنا است که این چیز یا فرد متمایز و یگانه است و این امکان را برای یک کنشگر اجتماعی فراهم می‌کند که برای پرسش‌های بنیادی معطوف به کیستی و چیستی خود پاسخی مناسب و قانع‌کننده پیدا کند. در واقع هویت فردی معطوف است به بازشناسی مرز میان خود و دیگری، آنچه که مرا از دیگری تمایز می‌بخشد (عبداللهی، ۱۳۷۵). هویت فردی به ثبات و یگانگی فرد در ارتباط با خود و محیط (سایرین) اشاره دارد. احساس نسبتاً پایداری از یگانگی خود در مقابل دیگری که به فرد کمک می‌کند تا درک کند که او کیست و چه تفاوتی با دیگران دارد، هویت فردی خوانده می‌شود (مزینانی، ۱۳۸۲: ۱۴). هویت اقتصادی، هویت جنسی و جنسیتی، هویت شغلی، هویت جسمی و هویت خانوادگی از اقسام هویت فردی است (پیمایش هویت ملی: ۸۶). هویت جمعی،

هویت‌های متعددی مانند قومی، ملی، دینی، تاریخی و فرهنگی را پوشش می‌دهد. هویت جمعی برخاسته از لایه‌های فرهنگ به هم پیوسته چه به صورت متداخل و چه به صورت همپوشی در هویت تاریخی، فرهنگی، قومی، دینی و ملی است (مزینانی، ۱۳۸۲: ۱۴). افراد با توجه به ارتباط‌هایی که با گروه‌های مختلف برقراری می‌کنند هویت جمعی خود را شکل می‌دهند، لذا هویت جمعی از یک طرف برخاسته از شخصیت خودشان و از طرف دیگر برخاسته از بستر اجتماعی‌ای که افراد در آن قرار گرفته‌اند می‌باشد.

می‌توان هویت ملی را بالاترین سطح هویت جمعی دانست که باعث انسجام افراد یک جامعه (ملت) می‌شود. در اینکه یک ملت هویت خود را متشکل از چه عناصری می‌داند می‌توان به آراء اندیشمندان و صاحب نظران آن جامعه مراجعه کرد. از طرف دیگر آرا و افکار اندیشمندان و صاحب نظران یک جامعه، پس از مدتی به بدنه جامعه تزریق شده و سرنوشت یک جامعه (ملت) را رقم می‌زند. همان طوری که آرا و افکار آیت‌الله خمینی، مرتضی مطهری و علی شریعتی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی مطرح شد و یکی از عوامل و افکار تاثیرگذار در سرنوشت ایران، با رخداد انقلاب ۱۳۵۷ را رقم زدند.

بر همین اساس ما به تحلیل محتوای آثار دو تن از روشنفکران و نخبگان ایران می‌پردازیم که یکی از آنها متفکری است که در قبل از انقلاب ۱۳۵۷ زندگی می‌کرده است و دیگری پس از انقلاب ۱۳۵۷ در عرصه علمی کشور نوشته‌هایی را به تحریر درآورده است.

۱-۲- مسئله تحقیق

تعلق خاطر و گرایش به گروه و جامعه‌ای که انسان در آن تولد یافته و ارزش‌ها، باورها و آرای خود را در آن درونی ساخته، موضوعی جاودانه و فراگیر است. به طوری که این فراگیری در همه جوامع و در طول تاریخ رخ داده است. این موضوع ارتباطی نهادین با زندگی گروهی انسان‌ها نیز دارد. چه آنکه ادامه بقای انسان از راه تولید مثل، گردهم‌آیی حداقل یک گروه دو نفره را از اوان تاریخ و آغاز حیات بشر ناگزیر ساخته است. کتب مقدس دینی هم داستان آدم و حوا را به عنوان زوج آغازگر نوع خاصی از حیات انسان وصف می‌کنند، به عبارت دیگر اجتماعی زیستن انسان هم خاستگاه زیست‌شناختی دارد و هم جامعه شناختی. با این حال صرف نظر از علت‌شناسی خاستگاه این معما، انسان‌ها از آغازی که پرتو دانش بشر بر آن تابیده است تا به امروز، اجتماعی و گروهی زندگی کرده‌اند.

علل زیستی و اجتماعی تشکیل‌دهنده این نحوه زندگی انسان، لاجرم تعلقاتی را برای او پدید آورده‌اند، احساس تعلق به خانواده و خویشاوندان در طول زمان، احساس تعلق به قبیله، تبار، ملت و کشور و حتی نوع انسان و احساس تعلق به هستی را پدید آورده است. چنانچه

امروزه جامعه‌شناسان از سطوح و اشکال هویت سخن می‌گویند. هویت ما در کل از دو سطح فردی و اجتماعی تشکیل می‌شود و در هر سطح از عناصری تشکیل می‌یابد که احساس تعلق انسان به آنها متفاوت است.

ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، جمعیتی و جغرافیایی کشور ایران این زمینه را فراهم آورده که به عنوان یک نمونه از کشورهای دارای قدمت جهان، موضوع مطالعه‌ای جامعه‌شناختی از حیث قدمت برخوردار از هویت قومی و ملی و چگونگی علایق شکل گرفته مبتنی بر این هویت‌ها قرار گیرد.

اسطوره‌های ایرانی سرنوشت ایرانیان را به آغاز خلقت بشر و اجتماع انسانی پیوند می‌دهند، در ادامه آن را به حکومت‌های ماقبل تاریخ پیشدادیان و کیانیان می‌رسانند، سپس بر دروازه‌های هگمتانه از امپراتوری مادها گذر کرده و به شوش و تخت جمشید و سلسله‌های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان می‌رسانند.

آیا این دگرگونی‌ها و تحولات سترگ مبتنی بر گونه‌ای ناسیونالیسم گروه‌های تشکیل دهنده ملت ایران بوده است؟ اگر چنین است نسبت آن با هویت و تعلقات قومی در ایران چگونه است؟ آیا امپراتوری‌های ایرانی براساس تعلق مردمان این کشور به سرزمین، فرهنگ، زبان و سایر عناصر هویتی، آنان را بسیج کرده‌اند یا بر پایه زور و اقتدار سیاسی و نظامی و وفاداری به دستگاه حکومت و شخص پادشاه؟ آیا می‌توان تلاش فردوسی برای احیا و تثبیت اسطوره‌های ایران، زبان فارسی، تاریخ این کشور و خلق حماسه رستم را آن گونه که در جامعه‌شناسی ادبیات می‌گویند، آرزوی بر جان نشسته هم میهنان در دوره تلاش برای نجات ایران دانست؟ به نظر می‌رسد دلبستگی به سرزمین ایران، آن گونه که در آثار شاعران و اندیشمندان دوره‌های گذشته ایران آمده، با آنچه امروزه ناسیونالیسم برآمده از تحولات نوین می‌خوانند تفاوت آشکاری ندارد (گودرزی، ۱۳۸۴: ۱۰).

برای نمونه به این اشعار که دو شاعر آذربایجانی با فاصله هشت قرن در مورد ایران گفته‌اند توجه کنید. نخست از نظامی گنجوی در قرن ششم هجری (متولد ۵۳۵ ه ق)

همه عالم تن است و ایران دل
چون ایران دل زمین باشد
نیست گوینده زین قیاس خجل
دل ز تن به بود یقین باشد

دیگری محمد حسین بهجت (شهریار) شاعر معاصر ایران اهل آذربایجان (متولد ۱۲۸۵ ه ش - خورشیدی)

تو همایون عهد زرتشتی و فرزندان تو
اختلاف لهجه ملیت نزاید بهر کسی
گربدین منطق تو را گفتند ایرانی نه ای
ما در ایران ندارند چون تو فرزندی دلیر
بی کس است ایران به حرف ناکسان از ره مرو
پور ایرانند و پاک آیین نژاد آریان
ملتی را با یک زبان کمتر به یاد آرد زمان
صبح را خوانند شام و ریسمان را آسمان
روز سختی چشم امید از تو دارد همچنان
جان به قربان تو ای جانانه آذر بایجان ...

فردوسی حماسه خود را پی افکندن نظمى بلند طى سى سال براى انسجام زبان فارسى مى داند، ساختمانى که پس از آن ديگر از باد و باران و هجوم اغيار گزندی نيبند :

پى افکندم از نظم کاخی بلند

که از باد و باران نیاید گزند

بسی رنج بردم در این سال سى

عجم زنده کردم بدین پارسی

علاوه بر این دو، در حوزه اسطوره نیز اغلب اسطوره های ایرانی فدای مرزهای ایران ، مبارزه با دیو و تورانی و دیگر قبایل انیرانی شده اند .

در حوزه حاکمیت سیاسى نیز هر یک از اقوام ایرانی که حاکمیت یافته اند، با نام ایران و سلسله ایرانی حکم رانده اند، از مادها گرفته تا پارسها و پارتها و سپس قبایل و اقوام امروزی- تر مثل اتابکان، صفویها ، زندیها ، قاجارها و... .

به علاوه الگوی روابط سنتی جامعه در یک قرن اخیر، از جمله حاکمیت سیاسى کشور، دچار تغییر اساسی شده است. حکومت های محلی برخاسته از سران ایلات و قبایل جای خود را به نهادهای حکومتی جدید با مامورین فرستاده شده از مرکز سیاسى کشور داده اند. رشد ارتباطات و فراگیری رسانه ها، علاقه مندان به فرهنگ های محلی و بومی را دچار بیم ساخته است. روابط مرکز پیرامون و کانون حاشیه در ساختار سیاسى و اقتصادى کشور، اغلب استان های دورتر و مرزی را از دهه های پیش پیوسته رنج داده است.

با این حال نمی توان پوشیده داشت که در پاره ای مواقع مطالبات قومى در ایران پژواکی از حوادث منطقه ای و بازیگران خارجی بوده است. همچنان که نخبگان قومى و برخی احزاب ملی نیز عرصه روابط فرهنگى اقوام را به معادلات سیاسى و پر مناقشه سوق داده اند.

به طور مثال سیاست خلقها و ملل ایرانی، همزمان با اشغال ایران توسط قوای روس توسط حزب کمونیست ایران در کنگره دوم (کنگره ارومیه) مطرح شد. در این اثنا با حمایت شوروی، دو جمهوری خودخوانده در تبریز و مهاباد اعلام موجودیت کردند و قاضی محمد ملبس به یونیفرم ارتش سرخ شوروی، خطابه اعلام جمهوری مهاباد را قرائت کرد. از این ایام به بعد اصطلاحاتی چون دولت مرکزی، مسئله ملی، خلق های ایران و... در ادبیات و گفتمان سیاسى ایران شکل گرفت و هنوز بر جای مانده است. در نتیجه منشا خارجی برخی اختلافات محلی- گرایانه در ایران نیز بر غامض بودن تحلیل مسائل قومى {و به تبع آن ملی} در ایران افزوده است (گودرزی، ۱۳۸۴: ۱۵-۷).

می توان انقلاب ۱۳۵۷ ایران را نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران دانست و از یک منظر تاریخ ایران را به دو دوره تقسیم نمود: ۱- قبل از انقلاب ۵۷ و ۲- بعد از انقلاب ۵۷. در اثبات این ادعا، همین دلیل کافی است که نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی برچیده شد و نظام جمهوری به شکل خاصی جانشین آن گردید. بر همین اساس در این تحقیق در پی بررسی این مسئله هستیم که عناصر و مولفه های هویت ملی در آثار روشنفکران قبل از انقلاب ۵۷ چه تفاوتی با عناصر و مولفه های تشکیل دهنده هویت ملی در آثار روشنفکران پس از انقلاب ۵۷ دارد؟. لذا

جلال آل احمد را به عنوان روشنفکر مسلط دهه چهل ایران و داریوش شایگان را به عنوان یکی از روشنفکران بر جسته حال حاضر انتخاب کرده و می‌خواهیم مولفه‌های هویت ملی در آثار این دو نفر را با هم مقایسه کنیم (حسین قافیان، ۱۳۸۸).

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

در باب اهمیت و ضرورت تحقیق همین بس که تقریباً تمام اندیشمندان و روشنفکران شهیر و تاثیرگذار در جامعه ایران، در مورد هویت به طور کلی و هویت ملی به طور خاص کتاب، مقاله یا اثری را تالیف یا ترجمه کرده‌اند، در این زمینه می‌توان به این افراد و آثار آنها اشاره کرد :

- جلال آل احمد: ۱- غرب زدگی ۲- در خدمت و خیانت روشنفکران
 - مرتضی مطهری: خدمات متقابل ایران و اسلام
 - حمید احمدی: ۱- دین و ملیت در ایران همیاری با کشمکش ۲- قومیت و قوم‌مداری در ایران از افسانه تا واقعیت
 - احمد اشرف: بحران هویت ملی و قومی در ایران
 - حسین بشریه: ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران
 - فرهنگ رجایی: مشکله هویت ایرانیان امروز
 - حسین کچوئیان: تطورات گفتمان‌های هویتی ایران
 - داریوش شایگان: ۱- افسون زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار.
- در اینجا برای نشان دادن اهمیت موضوع به نظرات چند تن از صاحب‌نظران در این زمینه اشاره خواهیم کرد.

موسی نجفی معتقد است هویت ملی مسئله‌ای است که نه تنها از ابعاد تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قابل طرح در حوزه نظری است، بلکه در بعد عملی نیز بازتاب‌ها و جلوه‌های مهم و شایان توجهی در عرصه‌های مختلف ملی و فراملی از خود نشان می‌دهد. این بحث با توجه به حساسیت و اهمیتی که دارد، اکنون از حوزه مراکز دانشگاهی و محافل علمی خارج شده و به سطح محافل سیاسی، احزاب، مطبوعات و... و همچنین نهادهای قانونگذاری راه یافته است. لیکن تنوع و تکثر دیدگاه‌های فرهنگی در این گونه امور، بررسی و ریشه‌یابی این مسئله و بحث پیرامون ابعاد آن را به موضوعی مورد مناقشه و گاه بغض‌آلود مبدل نموده است. این امر، علاوه بر حساسیت‌های سنوات اخیر و سیاست‌های ملی و رسمی در انقلاب ناشی از آن است که بیشتر تبلیغات و نیز تحقیقات در دوره پهلوی در ارتباط با این موضوع بوده است (نجفی، ۱۳۸۱: ۱).

چه چیز باعث همگرایی و احساس تعلق مشترک و تعهد نسبت به پدیده یا اندیشه‌ای خواهد شد؟ چه عواملی سبب تمایز ملت‌ها از یکدیگر می‌شود؟ حدود و ثغور این شباهت‌ها و تفاوت‌ها چیست؟ پاسخ به پرسش در باب کیستی و چیستی آدمی، همواره دغدغه ذهنی بشر بوده و فکر انسان را به خود مشغول داشته است. اهمیت این موضوع را برای جامعه ما می‌توان در سه محور بیان کرد، ۱- جوانی جامعه ایران ۲- هویت‌خواهی و ۳- هویت‌جویی جوانان که همواره از پرسش‌های اساسی جامعه امروز ایران بوده است. گسترش شهرنشینی و پیچیده‌تر شدن روابط و تعاملات انسانی و پیچیدگی هر روزه ابعاد زندگی اجتماعی و به دنبال آن اهمیت درک هویت فردی و اجتماعی از سوی افراد جامعه. فرایند سریع و پرشتاب تحولات جهانی به ویژه در حوزه ارتباطات فرهنگی و اجتماعی و رفتاری و تعامل و گفت و گوی پیوسته میان عناصر فرهنگی ملت‌ها و تمدن‌های مختلف. از این رو می‌توان گفت آینده هر جامعه‌ای پیوند استوار با نوع تعریف ملت‌ها از هویت خواهد داشت و تعیین نسبت مردمان با این مقولات کلان و خطیر، رهیافت‌های توسعه‌ای آنان را رقم خواهد زد. از دیگر سو، ملت ما برای رسیدن به توسعه‌ای پایدار نمی‌تواند به ابعاد هویتی و معنوی خود بی‌توجه باشد؛ زیرا تاریخی طولانی، تمدنی پر بار و فرهنگی سرشار از مفاهیم معنوی و پشتوانه‌های قدسی دارد و این همه ارمغانی نفیس و امید بخش برای توسعه تلقی می‌شود. نه توسعه ایرانی بدون در نظر داشتن هویت ملی ممکن و پایدار خواهد بود و نه هویت ایرانی بدون توسعه پویا و بالنده خواهد ماند و از خطر در جاذدگی در امان خواهد بود، این دو لازم و ملزوم یکدیگرند (دوران، ۱۳۸۷: ۱۰-۹).

ایرانیان در عصر جهانی‌شده و دوران تمدن اطلاعات بر آن شده‌اند که در مقام بازیگری و نه در نقش‌های جانبی دیگر یعنی هوراکشی، تماشاجی و یا مصرف‌کنندگی ایفای نقش کنند. این پرسش همیشه مطرح بوده است که "ایرانیان چه و که می‌توانند باشند" و این پرسش خود بر دو پرسش "کیست ایرانیان" و "قابلیت بازیگر شدن" آنها موخر است. اینکه ایرانیان در حال حاضر که هستند پرسش مهمی است و بسیاری از اهل فکر و قلم به آن پاسخ گفته‌اند (رجایی، ۱۳۸۶: ۱-۲).

بابک شمشیری (۱۳۸۷)، در کتابی تحت عنوان "در آمدی بر هویت ملی" به خوبی موضوع هویت ملی را مورد بررسی قرار داده است. هویت ملی، موضوعی است بسیار پیچیده و چند بعدی. پدیده‌ای که هم بر آمده از تاریخ است و هم از نشانه‌های زمان حال. ریشه در گذشته‌های دور دارد اما کارکرد آن در زمان فعلی است. همچون رشته‌ای است که گذشته، حال و آینده را به هم پیوند می‌زند. بنابراین همواره زنده و تاثیرگذار است. کدامین کشور و جامعه‌ای است که به نوعی با موضوع "هویت ملی" درگیر نباشد. آن هم در دنیای مدرن جدید که به ویژه تحت تاثیر پدیده "جهانی شدن"^۲ و پیامدهای فرهنگی آن است. "هویت" به طور کلی و

-
- 1- National identity
 - 2- Globalization

"هویت ملی" به طور خاص با چالش‌های گوناگون مواجه است. افزایش مهاجرت به کشورهای پیشرفته و صنعتی غرب، منجر به ظهور پدیده "چند فرهنگی"^۱ در این کشورها شده است. پدیده‌ای که به نوبه خود هویت ملی را تحت تاثیر قرار داده و منجر به ارائه تعاریف جدید از آن شده است" (شمشیری، ۱۳۸۷: ۶).

به نظر می‌آید در دنیای جدید انتخاب هویت و تغییر آن امری است ارادی که به سادگی امکان‌پذیر می‌گردد. نمونه بارز آن را در ورزشکاران حرفه‌ای می‌توان دید که به دلیل حضور در تیم ملی یک کشور، به سادگی تبعیت آن کشور را اختیار کرده و به ظاهر هویت خود را تغییر می‌دهند (همان: ۷).

تحولات دنیای جدید هر یک به نوعی اهمیت، نقش و جایگاه هویت ملی را نشان می‌دهند، فروپاشی شوروی سابق، خود حکایت از این امر داشت. به طوری که هر یک از این جمهوری‌ها بلافاصله به جست و جوی هویت گمشده خود پرداخته‌اند. آتش بسیاری از جنگ‌های معاصر تحت تاثیر مسائل هویتی به ویژه هویت قومی و ملی افروخته شده است: تهاجم و تجاوز نظامی صرب‌ها بر علیه بوسنی هرزگوین و درگیری‌های نظامی بین ارمنستان و آذربایجان، شورش‌های کردهای ترکیه و بسیاری موارد دیگر، همگی مصداق چالش‌های هویتی جهان معاصر می‌باشند (همان: ۶).

هویت ملی یک مفهوم تاریخی است که از ابتدا به اشکال مختلف وجود داشته است، لیکن در ابعاد اجتماعی به رغم بسیاری از صاحب‌نظران علوم انسانی به ویژه اجتماعی و سیاسی، یکی از اساسی‌ترین و جدیدترین مباحث عصر مدرن و پسامدرن است که به نظر برخی از صاحب‌نظران بعد از رنسانس به وجود آمده است (همان: ۹).

امروزه این مفهوم به قدری اهمیت پیدا کرده است که برخی از اندیشمندان هویت ملی را زیربنای تمامی انواع دیگر هویت‌ها می‌دانند. بدین معنا که انواع هویت‌های دیگر در چهارچوب هویت ملی شکل گرفته و معنا پیدا می‌کند، برای مثال شکل‌گیری هویت فردی پدیده‌ای است که کاملاً تحت تاثیر و نفوذ هویت ملی قرار دارد. جهانی‌شدن معاصر از برخی جهات امکان وسیع‌تری را برای کشف و بیان هویت طرح کرده است. جهانی‌شدن معاصر همچنین گاهی از طریق تخریب فرهنگی موجب تضعیف امنیت هویت شده است. تاثیر کلی جهانی‌شدن بر هویت بیش از آن که شکل همگن داشته باشند، بی‌ثبات کننده است. به تعبیر دیگر می‌تواند به پدیده بحران هویتی به ویژه بحران هویت ملی و فرهنگی منجر شود، یعنی پدیده‌ای که جهان معاصر کم و بیش با آن مواجه است (همان: ۱۰).

احمدی (۱۳۸۳) معتقد است چندین پدیده برجسته را می‌توان در زمره عوامل شتاب دهنده بحث هویت ایرانی و سایر پژوهش‌های هم‌پیوند آن دانست. این پدیده‌ها هم در گستره رویدادهای جهانی، منطقه‌ای و درون کشوری نقش‌آفرینی کرده‌اند و هم در گستره قانون‌های دانشگاهی و پژوهشی پایان جنگ سرد در سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰ میلادی و در پی آن

فروپاشی شوروی از یک سو و شتابگیری فرایند جهانی شدن - جهانی سازی از سوی دیگر، در زمره مهمترین رویدادهای جهانی برانگیزنده پژوهش‌های مربوط به ملیت و قومیت به شمار می‌رفتند (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۰-۹).

در گستره رویدادهای منطقه‌ای نیز می‌توان به فروپاشی کشورهای یوگوسلاوی، فروپاشی شوروی و برآمدن جمهوری‌های تازه خاسته قفقازی و آسیای میانه و سرانجام سرنگونی نظام بعثی در عراق و البته سرنگونی طالبان و روی کارآمدن دولت ملی در افغانستان اشاره کرد. در کنار این دگرگونی‌ها و رخداد‌های جهانی و منطقه‌ای رویدادهای پس از انقلاب در ایران و سیاست‌گذاری‌های هویتی کاهش‌گرایانه رسمی که در جریان آن ویژگی ملی هویت ایرانی و از آن جمله میراث کهن آن تحت‌الشعاع وجه دینی قرار گرفت، واکنش پژوهشگران و رویکرد بیشتر آنها به سوی بازشناسی هویت ملی ایران را برانگیخت (همان: ۱۰).

۴-۱ - اهداف تحقیق

هدف این تحقیق بررسی مولفه‌ها و عناصر تشکیل دهنده هویت ملی در آثار جلال آل احمد و داریوش شایگان و مقایسه آنها با یکدیگر است تا از این طریق بتوان به تحولاتی که در این زمینه طی این نیم قرن در میان روشنفکران ایران رخ داده است پی برد و بتوان شناخت نسبتاً خوبی از گذشته (آل احمد) حال و تا حد زیادتری آینده ایران در این زمینه به دست آورد.

جلال آل احمد را می‌توان روشنفکر مسلط دهه چهل ایران دانست و کتاب غریب‌دگی او توسط آیت‌الله خمینی (ره) مطالعه شده و مورد تایید ایشان بود و افکار جلال آل احمد در این کتاب، به شدت مورد توجه انقلابیون ۵۷ بوده و هست. به طوری که در همین چند سال اخیر جایزه ادبی جلال آل احمد را مطرح شده و بنیان گذاشته شده است. داریوش شایگان فردی است که هم شاگرد علامه طباطبایی بوده است و لذا تا حد زیادی با افکار مذهبی‌های ایران آشناست و هم چندین سال است که در دانشگاه‌های معتبر غرب تدریس می‌کند. شایگان هم با افکار سنتی ایرانیان آشناست و هم افکار بزرگان غرب را مطالعه کرده است. ضمناً کتابی مجزا درباره هویت با نام افسون‌زدگی جدید هویت چهل تکه و تفکر سیار به چاپ رسانده است. او هم با افکار جلال آل احمد آشناست و هم به موضوعات کلانی همچون هویت پرداخته است.

فصل دوم: پیشینه تحقیق

۲-۱- پژوهش‌های داخلی

فکوهی و آموسی (۱۳۸۸) در یک مطالعه انسان شناسانه، "هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران"، احساس تعلق به هویت ملی و هویت قومی در کردستان را مورد بررسی قرار داده اند. در این مطالعه کیفی که در بین ۷۰ نفر از جوانان پیرانشهر انجام شده است، از مصاحبه های ساختارمند و اکتشافی استفاده شده است. نتایج مطالعه گویای این مطلب است که روابط قانونی و غیر قانونی مبادله کالا با کردستان عراق، رواج گسترده ی رسانه های قومی و مطالبه مشارکت فعال سیاسی در سال های اخیر، موجب تقویت هویت های جماعت گرایانه قومی شده است. از سوی دیگر کردها به لحاظ هویت فرهنگی، خود را با سایر اقوام ایرانی مشترک می دانند، هرچند میان هویت ایرانی و حوزه سیاسی فاصله گذاری مشخصی انجام می دهند.

ربانی و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه "رابطه ی هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب در دانشگاه های دولتی ایران"، با یک نمونه ۶۸۷ نفره از دانشجویان کرد، عرب و آذری، سعی در بررسی رابطه ی بین احساس محرومیت نسبی با هویت های ملی و قومی داشته اند. یافته های ای پیمایش نشان دهنده ی این است که بین دو متغیر هویت ملی و هویت قومی رابطه مثبت، هم افزا و متوسطی وجود دارد. همچنین، بین متغیر «احساس محرومیت نسبی» و هویت ملی رابطه منفی نسبتا بالایی وجود دارد و این رابطه با متغیر هویت قومی مثبت و در حد ضعیفی بوده است.

نواح و تقوی نسب (۱۳۸۶) در مطالعه ای به نام "تاثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی"، با نمونه ی ۴۵۵ نفره سعی در بررسی تاثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت ملی و هویت قومی و رابطه بین هویت ملی و هویت قومی در میان اعراب استان خوزستان داشته اند. در این تحقیق هویت ملی و قومی با توجه به ابعاد سه گانه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تحت بررسی قرار گرفته است. نتایج این تحقیق پیمایشی نشان دهنده این واقعیت است که با افزایش احساس محرومیت نسبی، هویت قومی در میان اعراب خوزستان